

بهاء‌الدین اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی هکّاری، محدث، مورخ، ادیب و شاعر نامبردار شیعی سده هفتم، در اربل زاده شد و همانجا پرورش یافت (فروخ، ج ۳، ص ۶۶۱). تنها کسی که تاریخ ولادت او را به صراحت ۶۲۵ دانسته ابن حبیب حلبی (متوفی ۷۷۹) است (ج ۱، ص ۱۶۱). پدرش فخرالدین عیسی، معروف به ابن جیحنی حاکم اربل و نواحی آن بود و در ۶۶۴ در همانجا درگذشت (ابن فوطی، ۱۹۶۵، ج ۴، قسم ۲، ص ۲۷۴-۲۷۵). اربلی نزد شماری از علمای عامه و خاصه دانش آموخت و از بسیاری اجازه روایت یافت (بهاء‌الدین اربلی، ۱۳۸۸، مقدمه جیوری، ص ۱۸-۱۹؛ افسندی اصفهانی، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۶۸؛ امینی، ج ۵، ص ۴۴۶-۴۴۷؛ فروخ، همانجا). برخی از آنان عبارت‌اند از: رضی‌الدین علی بن طاروس (متوفی ۶۶۴) که اربلی با وی مباحثات علمی داشت، جلال‌الدین عبدالحمید بن فخر موسوی، تاج‌الدین علی بن انجب معروف به ابن ساعی بغدادی (متوفی ۶۷۴)، حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفی ۶۵۷)؛ بهاء‌الدین اربلی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۴، ۱۰۸، ۳۴۷، ۳۶۳-۳۶۴، ج ۲، ص ۷۵، ۳۷۲، ج ۳، ص ۴۳، ۲۶۵؛ قمی، ۱۳۵۷-۱۳۵۸، ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰؛ امینی، ج ۵، ص ۴۴۶).
 جمعی از بزرگان نیز نزد او درس خوانده و از او روایت کرده‌اند، از جمله علامه حلّی و برادرش رضی‌الدین علی بن مطهر، احمد بن عثمان نصیبی فقیه مالکی، عبدالرزاق بن فوطی (حزاعلمی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۸، ۲۶، ۶۱، ۶۳، ۱۴۷، ۱۶۴، ۲۸۸؛ امینی، ج ۵، ص ۴۴۷-۴۴۸؛ بهاء‌الدین اربلی، ۱۳۸۸، مقدمه جیوری، ص ۱۹-۲۰). جمعی نیز نزد او کشف الغمه را قرائت کرده‌اند (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ امینی، ج ۳، ص ۱۳۵).
 اربلی در زمان حکومت تاج‌الدین بن صلاح در اربل به دبیری پرداخت و کاتب وی بود و پس از سقوط اربل به دست مغولان (رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ص ۷۱۶) به گفته خود در رجب ۶۶۰ به بغداد رفت و در زمان علاء‌الدین عظاملک جوینی^۹ (متوفی ۶۸۱) در دیوان انشا به دبیری پرداخت (ابن شاکر کتبی، ج ۳، ص ۵۷؛ صفدی، ج ۲۱، ص ۲۷۹؛ ابن فوطی، ۱۳۵۱، ص ۳۴۱). اربلی در بغداد از اطرافیان عظاملک جوینی (بهاء‌الدین اربلی، ۱۴۰۴، ص ۴۷) و در سفر و حضر همراه او بود و در منزلی مشرف بر دجله و معروف به «دیوان شرابی» اقامت داشت و بیشترین آثار خود را در همین زمان تألیف کرد و در ۶۷۸ تعمیر مسجدی معروف به جامع باب‌السیف را عهده‌دار گشت (همو، ۱۳۸۸، ص ۸۵-۸۶، مقدمه جیوری، ص ۱۴؛ و صاف حضرة، ص ۱۰۴؛ ابن فوطی، ۱۳۵۱، ص ۲۷۷-۲۷۸، ۲۷۸، ۳۶۶).

دوم خلاصه‌التجارب از آن یاد کرده است. این کتاب روایت و شرح چهل حدیث در عرفان و به زبان فارسی است که آن را به صورت هدایت (هدایه) الخیر (منزوی، ج ۲، بخش ۱، ص ۱۴۸۷؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۲۵، ص ۱۷۵) نیز معرفی کرده‌اند. از این کتاب نیز نسخه‌هایی در ایران (آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی، ص ۶۱۰) و خارج از ایران (منزوی، همانجا) وجود دارد.

منابع: آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی، فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، تألیف محمد آصف فکرت، مشهد ۱۳۶۹ ش؛ محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ سیریل لوید الگود، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه باهر فرقانی، تهران ۱۳۵۶ ش؛ همو، طب در دوره صفویه، ترجمه محسن جاویدان، تهران ۱۳۵۷ ش؛ امین احمد رازی، هفت اقلیم، چاپ جواد فاضل، تهران [بی‌تا]؛ ایران، مجلس شورای اسلامی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳، تألیف عبدالحسین حائری، تهران ۱۳۷۶ ش؛ بهاء‌الدوله رازی، خلاصه‌التجارب، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۱۴۰۰؛ حسن تاجبخش، بهاء‌الدوله رازی: آخرین پزشک بزرگ ایران، نامه فرهنگستان علوم، سال ۳، ش ۴ (تابستان ۱۳۷۵)؛ همو، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، تهران ۱۳۷۲-۱۳۷۳ ش؛ غیاث‌الدین بن همام‌الدین خوراندبیر، تاریخ حبیب‌السریر، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۵۳ ش؛ دانشگاه تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، نگارش محمدتقی دانش‌پزده، ج ۱۷، تهران ۱۳۶۴ ش؛ محمودین مسعود عمادالدین شیرازی، رساله آتشک، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۶۳۰۷؛ کتابخانه عمومی حضرت آية‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آية‌الله‌العظمی مرعشی نجفی مدظله‌العالی، نگارش احمد حسینی، قم ۱۳۵۴-۱۳۷۶ ش؛ خانبابا مشار، فهرست کتابهای چاپی فارسی، تهران ۱۳۵۰-۱۳۵۵ ش؛ محمدمعصوم بن زین‌العابدین معصوم علی‌شاه، طرائق الحقائق، چاپ محمدجعفر محجوب، تهران ۱۳۳۹-۱۳۴۵ ش؛ احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران ۱۳۲۸-۱۳۵۳ ش؛ حسین نصر، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران ۱۳۵۹ ش؛ سعید نفیسی، تاریخ نظم و نشر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، تهران ۱۳۶۳ ش؛

Charles Ambrose Storey, *Persian literature: a bibliographical survey*, vol. II/2, London 1971.

/ حسن تاجبخش /

بهاء‌الدین ابن عقیل - ابن عقیل، عبدالله

شرعة التسمية درباره اربلی تعبیری آورده که یکی از شاگردان وی آن را دال بر امامی نبودن اربلی از نظر میرداماد دانسته و او را زیدی مذهب خوانده است. از آنجا که اربلی در مواضع متعددی از کشف الغمه (دنباله مقاله) به امامی بودن خود تصریح کرده، زیدی خواندن وی نادرست است. به نظر افندی اصفهانی (همانجا) شاید منشأ این اشتباه آن باشد که یکی از دانشمندان زیدیه کتابی به نام کشف الغمه تألیف کرده است (وی نسخه‌ای از این کتاب را در تیریز دیده بوده است؛ نیز - آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۸، ص ۴۷). در منابع کهن نیز به امامی بودن اربلی اشارت رفته است (ابن‌شاکر کتبی، همانجا؛ صفدی، ج ۲۱، ص ۳۷۹).

با توجه به استادان اربلی، جامعیت وی در علوم مختلف معلوم می‌شود. او را از مشاهیر ائمه علم نحو و عربیت (صدر، ص ۱۳۰)، شاعر و کاتب دیوان (ابن‌شاکر کتبی؛ صفدی، همانجاها)، مورخ، ادیب و فقیه (ابن‌حیب؛ امینی، همانجاها)، محدثی صدوق، ثقه و مذکور در سند اجازات (حرّعاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۴۳؛ مجلسی، ج ۱، ص ۱۰، ۲۹) دانسته‌اند. به گفته فضل‌بن روزبهان شافعی، اربلی - به اتفاق جمیع امامیه - از بزرگان علما و در نقل مطالب امین است (شوشتری، ج ۱، ص ۲۹).

اربلی بی‌تردید از شاعران و نثرنویسان بزرگ سده هفتم است. نثر او در آثارش ممتاز و استوار است (دنباله مقاله). وی در نوجوانی شعر می‌سروده (بهاء‌الدین اربلی، ۱۴۰۴، ص ۲۴۶) و در بیشتر ابواب و فنون شعر عرب طبع آزمایی کرده است (همو، ۱۳۸۸، مقدمه جبوری، ص ۲۴؛ همو، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۱؛ همو، ۱۴۰۴، ص ۱۱۱، ۱۶۶، ۲۴۶-۲۴۷، ۳۸۸، ۴۲۱-۴۲۴؛ ابن‌فوطی، ۱۳۵۱، ص ۳۸۰-۳۸۱؛ امینی، ج ۵، ص ۴۴۴-۴۴۵).

اربلی علاوه بر اینکه قصائدی در مدح اهل بیت علیهم‌السلام سروده، از روایان شعر حضرت علی علیه‌السلام نیز بوده است (امینی، ج ۲، ص ۲۶). قدرت شاعری او را می‌توان در ابیاتی که بالبداهه سروده و نیز در نشستهای ادبی او با جوینی، ابن‌صلایا و دیگران یافت (بهاء‌الدین اربلی، ۱۳۸۸، ص ۸۵-۸۶؛ همو، ۱۴۰۴، ص ۱۵۳-۱۵۴، ۱۶۱-۱۶۲، ۱۶۶، ۲۰۴، ۲۴۲، ۳۸۰، ۳۸۹).

اربلی فرزندی به نام ابوالفتح محمدبن علی داشته که به گفته ابن‌شاکر کتبی (ج ۳، ص ۵۸) و صفدی (همانجا) پس از فوت پدر در حالت فقر از دنیا رفته است و او نیز فاضل، شاعر و ادیب بوده و کشف الغمه را روایت کرده است (حرّعاملی، ۱۳۶۲، ش، ج ۲، ص ۲۸۸). نوه اربلی - عیسی‌بن محمد - نیز فاضل و شاعر بوده و کتاب کشف الغمه

در ۶۸۰ به سعایت دشمنان، اباقاخان مغول پسر هلاکو (حک: ۶۶۳-۶۸۰) به جوینی بدبین شد و دستور داد که جوینی و برخی همراهانش، از جمله اربلی، را به اردوی او در همدان ببرند، ولی پیش از آنکه آنان به همدان رسند در گردنه اسدآباد خبر فوت خان مغول منتشر شد و پس از وی تکودار احمد، برادر اباقاخان، ایلخان شد و جوینی مجدداً به حکومت بغداد گماشته شد و اربلی همچنان با او بود تا اینکه جوینی در ۶۸۱ درگذشت (وصاف حضرة، ص ۱۰۴-۱۰۵؛ بهاء‌الدین اربلی، ترجمه فارسی، ج ۱، مقدمه شعرانی، ص ۸-۹). در ۶۸۷ سعدالدوله یهودی موصلی - وزیر ارغون خان - مسلمانان را آزار بسیار کرد، و اربلی نیز مدتی از کار برکنار شد تا اینکه سعدالدوله در ۶۹۰ به قتل رسید (همان، ج ۱، مقدمه شعرانی، ص ۶؛ ابن‌فوطی، ۱۳۵۱، ص ۴۵۴؛ ابن‌شاکر کتبی؛ صفدی، همانجاها). اربلی سالهای آخر عمر خود را خانه‌نشین شد و به تألیف پرداخت (بهاء‌الدین اربلی، ترجمه فارسی، ج ۱، مقدمه شعرانی، ص ۶، ۱۳؛ فروغ، ج ۳، ص ۶۶۲؛ ابن‌فوطی، ۱۳۵۱؛ ابن‌شاکر کتبی؛ صفدی، همانجاها).

اربلی بنا بر مشهور در ۶۹۲ (ابن‌حیب، همانجا؛ بغدادی، هدیه‌العارفین، ج ۱، ستون ۷۱۴؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷؛ زرکلی، ج ۴، ص ۳۱۸) یا ۶۹۳ (ابن‌فوطی، ۱۳۵۱، ص ۴۸۰؛ حرّعاملی، ۱۳۶۲، ش، ج ۲، ص ۱۹۵، پانویس ۱) در بغداد درگذشت. البته ابن‌عماد حنبلی (ج ۵، ص ۳۸۳) سال درگذشت او را ۶۸۳ دانسته است. او را در خانه مسکونیش معروف به کاربردخانه واقع در غرب بغداد به خاک سپردند (آقابزرگ طهرانی، ۱۳۹۲، همانجا). محدث قمی بر سر مزار او رفته است (۱۳۲۷، ش، ج ۱، ص ۳۱۷)، ولی امروزه آن خانه ویران گشته و اثری از آن بر جای نمانده است (بهاء‌الدین اربلی، ۱۳۸۸، مقدمه جبوری، ص ۱۸).

درباره وزارت اربلی اختلاف است؛ برخی او را صاحب وزارت و صدارت خوانده و یکی از سیاستمداران زمان خویش دانسته‌اند (ابن‌شاکر کتبی، همانجا؛ صفدی، ج ۲۱، ص ۳۷۸؛ ابن‌عماد، همانجا؛ افندی اصفهانی، ج ۴، ص ۱۶۶؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۸؛ امینی، ج ۵، ص ۴۴۶). ابوالحسن شعرانی نیز وزیر بودن او را با چنان علم و فضل بعید ندانسته است (بهاء‌الدین اربلی، ترجمه فارسی، ج ۱، مقدمه شعرانی، ص ۱۱). برخی هم احتمال داده‌اند که علی‌بن عیسی وزیر - معروف به ابن‌جراح (متوفی ۳۳۴) - شخص دیگری بوده و وزارت «مقتدر» و «قادر» عباسی را عهده‌دار بوده است (خوانساری، ج ۴، ص ۳۴۱؛ قمی، ۱۳۵۷-۱۳۵۸، ج ۲، ص ۱۵؛ نیز - زرکلی، ج ۴، ص ۳۱۷؛ مدرس تبریزی، ج ۱، ص ۱۰۲). به نوشته افندی اصفهانی (ج ۴، ص ۱۶۹) میرداماد در

را از جدش روایت کرده است (همان، ج ۲، ص ۲۱۲). آثار اربلی عبارت‌اند از: ۱) کشف الغمّة فی معرفة الائمه که از منابع معتبر در شرح حال پیامبر اسلام، حضرت خدیجه، حضرت فاطمه و امامان دوازده‌گانه علیهم‌السلام به شمار می‌آید. این کتاب دو جزء دارد: جزء اول دربرگیرنده زندگانی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امام علی‌علیه‌السلام است و تاریخ اتمام آن شعبان ۶۷۸ است (ج ۲، ص ۷۰) و جزء دوم دربرگیرنده زندگانی حضرت فاطمه و حضرت خدیجه و امامان علیهم‌السلام است و تاریخ اتمام آن رمضان ۶۸۷ ذکر شده است (ج ۳، ص ۳۴۳). وی در مقدمه کتاب (ج ۱، ص ۳) صراحتاً تشیع خود را اعلام داشته و «اهلبیت» علیهم‌السلام را «ثانی ثقلین» دانسته، دوستی و دشمنی با آنان را دوستی و دشمنی با خدا عنوان کرده است. او چند مناظره با دانشمندان اهل سنت داشته (ج ۱، ص ۸۵، ۳۴۰) و تعبیراتی همچون «اصحابنا الشیعة» (ج ۲، ص ۸۶) و «انما معاشر الشیعة» (ج ۲، ص ۵۲) دارد. اربلی در کشف الغمّة راه اختصار را پیموده (ج ۱، ص ۶، ج ۳، ص ۸۶) و روایات هر باب را نخست از طریق اهل سنت و سپس از طریق شیعه روایت کرده (ج ۲، ص ۷۵) و از منابع مختلف شیعه و سنی بهره برده است (ج ۱، ص ۸۴، ۱۰۸، ۳۳۸-۳۳۹، ج ۲، ص ۱۵۵، ۳۵۳؛ امینی، ج ۵، ص ۴۴۷؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸)، ولی فرصت بازنگری منابع را نیافته است (ج ۳، ص ۳۴۳). او در پایان هر باب قصیده‌ای نیز در مدح یا مرثیه اهل بیت علیهم‌السلام سروده است. این کتاب از منابع وسائل الشیعة (ج ۲، ص ۴۳) و بحارالانوار (ج ۱، ص ۱۰، ۲۹) و عبارات آن در غایت فصاحت و مشتمل بر اشعاری نیکو و اخباری مستند است (بهاء‌الدین اربلی، ترجمه فارسی، ج ۱، مقدمه شعرانی، ص ۱۶). کشف الغمّة چندین بار تلخیص و ترجمه شده است (افندی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۷۷، ج ۵، ص ۳۴۳؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۳۹، ۴۲۵؛ اربلی، ۱۳۸۸، مقدمه جیوری، ص ۲۲). همچنین بعضی از بخشهای آن جداگانه با عنوانهای حیاة الامامین زین‌العابدین و محمدالباقر و حیاة الامام جعفرالصادق چاپ شده است (اربلی، ۱۳۸۸، همانجا؛ قس زرکلی، ج ۴، ص ۳۱۹ که اولی را اثری مستقل دانسته است). ۲) التذکرة الفخریة که به گفته اربلی (ص ۴۸-۴۹) آن را به درخواست فخرالدین منوچهرین ابی‌الکرم همدانی نایب عظاملک جوینی تألیف کرده است (نیز - ابن‌فوطی، ۱۹۶۵، ج ۴، قسم ۳، ص ۴۱۹-۴۲۰) و بیشتر به اشعار معاصران و نوپردازان نظر دارد. مؤلف به درخواست فخرالدین پاره‌ای دوبیتی، موالیا و موشحات نیز بر آن افزوده است (ص ۴۹) هر چند کاتب نسخه بر آنها دست نیافته است (ص ۴۹۰). به گفته ابن‌فوطی (۱۹۶۵، ج ۴، قسم ۳، ص ۴۱۹) را

تاریخ تألیف کتاب ۶۷۱ بوده است. اربلی در التذکرة الفخریة غنا و اصوات مغنیان را بررسی کرده و در هر باب مقدمه‌ای به اسلوب ترسل و مسجع آورده که از ویژگیهای نثر آن دوران حکایت دارد (مقدمه، ص ۱۳) این کتاب علاوه بر مقدمه شامل هشت باب در معانی غنایی و توصیف طبیعت و مدح و فخریات است. و اربلی در آن علاوه بر نقل اشعار به نقد آنها نیز پرداخته و معیارهای جدیدی در نقد عرضه کرده است (ص ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۲۲۷). او به سرتیهای برخی شاعران از دیگران (ص ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۲۴۳) و به احوال شعرا و برخی ابیات آنان اشاره کرده است که در دیگر منابع یافت نمی‌شود (ص ۸۵، ۱۱۲، ۱۷۴، ۱۸۹، ۱۹۲، ۲۴۲). ۳) رساله الطیف (طیف الانشاء - بغدادی، هدیه‌العارفین، همانجا؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷؛ کخاله، ج ۷، ص ۱۶۳) به نثر که از آثار گرانهای اربلی است و دربرگیرنده اخبار و اشعار شاعران جاهلی، اسلام و برخی معاصران مؤلف، و نیز خود او است که بخشی از این ابیات در دیگر کتابها یافت نمی‌شود. مؤلف در این کتاب راه «طیف الخیال» علم‌الهدی را پیموده و به برخی ابیات بحتری و ابوتّمّام اشاره کرده است. او میان اسلوب «مقامه‌نویسی» و طیف الخیال جمع بسته و نیم‌نگاهی نیز به رساله‌الغفران ابوالعلاء معری داشته است. اربلی مانند سید مرتضی که نقدی علمی به کار بسته و اقوال آمدی را رد کرده و از ابوتّمّام و بحتری دفاع نموده، رفتار نکرده و با ذوقی شاعرانه کتاب را تألیف کرده است (مقدمه جیوری، ص ۳۲-۳۵). این کتاب نمونه‌ای زیبا از تواناییهای ادبی اربلی است (فروخ، همانجا). او گوشه‌هایی از زندگانی و موقعیتهای خود را در این کتاب بیان کرده است (ص ۷۰-۷۴). ۴) دیوان شعر (حرّعاملی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۱۹۵؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹، قسم ۱، ص ۶۷)، محققان التذکرة الفخریة بر نسخه خطی آن دست یافته‌اند (مقدمه، ص ۲۶). ۵) المقامات الاربع که شامل مقامه‌های بغدادی، دمشق، حلب و مصریه است (ابن‌شاکر کتبی، ج ۳، ص ۵۷؛ صفدی؛ ابن‌عماد؛ بغدادی، هدیه‌العارفین، همانجا؛ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۸؛ زرکلی، ج ۴، ص ۳۱۸). ۶) چند رساله (حرّعاملی، ۱۳۶۲ ش؛ فروخ، همانجا). ۷) جلوة العثاق و خلوة المشتاق (فروخ؛ کخاله، همانجا). ۸) نزهة‌الاکبار [الاخبار فی ابتداء الدنيا و قدر القوی الجبار (همانجا)].

آثاری نیز که بدو منسوب است اینهاست: اربعین، مشتمل بر چهل حدیث مختصر (محدّث، ج ۲، ص ۱۱۵۸)؛ حدائق البیان فی شرح التبیان فی المعانی و البیان (ظاهراً انتساب این کتاب به اربلی اشتباه است - بهاء‌الدین اربلی، ۱۴۰۴، مقدمه، ص ۲۲)؛ برهة من الدهر (بغدادی، ایضاح المکنون؛ ج ۱، ستون ۱۸۰).

بهاء‌الدین ارزنجانی - محمد بهاء‌الدین
ارزنجان

بهاء‌الدین بغدادی، محمدبن مؤید، از دبیران و استادان ترسل (= نامه‌نگاری دیوانی) در قرن ششم. به گفته حمدالله مستوفی (ص ۶۶۸) او برادر کبیر شیخ مجدالدین بغدادی^۵ (بغدادکی) خوارزمی، عارف مشهور اواخر سده ششم و آغاز سده هفتم، است. جامی (ص ۴۲۷) ضمن تأیید این سخن، می‌گوید اصل خاندان آنان از بغداد است. خوارزمشاه از خلیفه بغداد تقاضای طبیب کرد و خلیفه، پدر مجدالدین را فرستاد. بهاء‌الدین محمد، منشی علاءالدین تکش خوارزمشاه (حک: ۵۶۸-۵۹۶) بود. بهاء‌الدین همراه شهاب‌الدین مسعود، حاجب بزرگ علاءالدین تکش، و سیف‌الدین مردان شیر خوانسالار، برای مذاکره درباره صلح نزد منگلی‌بیگ فرستاده شد. او آنان را مقید کرد و نزد سلطان‌شاه (متوفی ۵۸۹)، برادر تکش که با او مخالف بود، به مرو فرستاد و تا ۵۸۵ که بین دو برادر صلح شد در زندان بودند (جوینی، ج ۲، ص ۲۳).

بهاء‌الدین بغدادی قبلاً نیز به سبب اختلاف با نظام‌الملک شمس‌الدین مسعودبن علی هروی (متوفی ۵۹۶)، وزیر سلطان علاءالدین تکش خوارزمشاه، زندانی شده بود (عوفی، ج ۱، ص ۱۳۹). وی رساله حبسیه‌اش را که نمونه‌ای عالی از نثر فارسی است، به هنگام دومین حبس خود نوشت. پس از آزادی، دوباره به خدمت علاءالدین تکش درآمد. عظاملک جوینی (ج ۲، ص ۲۸) می‌گوید در ۵۸۸ بهاء‌الدین در آزادوار با جد پدرم در حضور شاه مباحثه کرده است. بنابراین، مطلب امین احمد رازی (ج ۱، ص ۱۰۶) درباره تاریخ درگذشت او (۵۴۵) - که رضاقلیخان هدایت (ج ۱، ص ۴۴۴) نیز آن را نقل کرده - اشتباه است، و به احتمال قریب به یقین، وی پس از ۵۸۸ درگذشته است.

از بهاء‌الدین بغدادی کتاب *التوسل الی الترسل*^۶ باقی‌مانده که به اهتمام احمد بهمنیار و مقدمه محمد قزوینی در ۱۳۱۵ ش در تهران چاپ شده است. از او اشعار فارسی و عربی هم باقی مانده که در آنها از گرفتاریهای حبس و بند شکوه کرده است. عوفی (ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۲)، ضمن تجلیل از او، یکی از قصاید فارسی او را به‌طور کامل و چند بیت از دو قصیده دیگرش را آورده است. سعدالدین رزائینی (ج ۱، ص ۷) نیز او را ستوده و در مقدمه مرزبان‌نامه آورده که به رسالات بهاء‌الدین توجه داشته است.

منابع: امین احمد رازی، هفت اقلیم، چاپ جواد فاضل، تهران ۱۳۴۰ ش؛ عبدالرحمان‌بن احمد جامی، *نفحات الانس*، چاپ محمود عابدی، تهران ۱۳۷۰ ش؛ عظاملک‌بن محمد جوینی، کتاب تاریخ جهانگشای، چاپ محمدبن عبدالوهاب قزوینی، لیدن ۱۹۱۱-۱۹۲۷،

منابع: محمد حسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نفی منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳ هـ، طبقات اعلام الشیعة: الأنوار الساطعة فی المائة السابعة، چاپ علی نفی منزوی، بیروت ۱۳۹۲/۱۹۷۲؛ ابن‌حیب، تذکرة النبیة فی ایام المنصور و بنیه، چاپ محمد محمدامین، قاهره ۱۹۷۶-۱۹۸۶؛ ابن‌شاکر کتبی، فوات الوفيات، چاپ احسان عباس، بیروت ۱۹۷۳-۱۹۷۴؛ ابن‌عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹؛ ابن‌قُوطی، تلخیص مجمع الآداب فی معجم الانقلاب، جز ۴، قسم ۳، چاپ مصطفی جواد، دمشق ۱۹۶۵ هـ، الحوادث الجامعة و التجارب النافعة فی المائة السابعة، چاپ مصطفی جواد، بغداد ۱۳۵۱؛ عبدالله‌بن عیسی اندلی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱؛ محسن امین، اعیان الشیعة، چاپ حسن امین، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ عبدالحمین امینی، التقدیر فی الكتاب و السنة و الأدب، ج ۲، بیروت ۱۳۹۷/۱۹۷۷، ج ۵، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷؛ اسماعیل بغدادی، ایضاح المکتون، ج ۱، در حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۳، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰ هـ، هدیة العارفین، ج ۱، در حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۵، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰؛ علی‌بن عیسی بهاء‌الدین ارطلی، التذکرة الفخریة، چاپ نوری حمودی فیسی و حاتم صالح فاضل، بغداد ۱۴۰۴/۱۹۸۲ هـ، رساله الطیف، چاپ عبدالله جیوری، بغداد ۱۳۸۸/۱۹۶۸ هـ، کشف الغمة فی معرفة الاثمة، چاپ هاشم رسولی محلاتی، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱ هـ، همان، با ترجمه فارسی به نام ترجمه المناقب، از علی‌بن حسین زوارثی، با مقدمه ابوالحسن شعرانی، چاپ ابراهیم میانجی، قم ۱۳۶۴ ش؛ محمدبن حسن حرّ عاملی، امل الأمل، چاپ احمد حسینی، ج ۲، قم ۱۳۶۲ ش؛ هـ، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، چاپ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳ هـ، محمد باقر بن زین‌العابدین خوانساری، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، چاپ اسدالله اسماعیلان، قم ۱۳۹۰-۱۳۹۲؛ رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، چاپ بهمن کریمی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۸۰؛ نورالله‌بن شریف‌الدین شوشتری، احقاق الحق و ازهاق الباطل، چاپ مرعشی نجفی، ج ۱، قم [تاریخ مقدمه ۱۳۷۷]؛ حسن صدر، تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، عراق [بی‌تا.]، چاپ انست تهران [بی‌تا.]؛ خلیل‌بن ابیک صفدی، کتاب الوافی بالوفیات، ج ۲۱، چاپ محمد حجیری، اشوتگارت ۱۹۹۱/۱۴۱۱ هـ، عمر قزوین، تاریخ الادب العربی، ج ۳، بیروت ۱۹۸۹ هـ؛ عباس قمی، فوائد الرضویة: زندگانی علمای مذهب شیعه، تهران [تاریخ مقدمه ۱۳۲۷ ش]؛ هـ، کتاب الکنی و الانقلاب، صیدا ۱۳۵۷-۱۳۵۸، چاپ انست قم [بی‌تا.]؛ عمر رضا کخاله، معجم المؤلفین، دمشق ۱۹۵۷-۱۹۶۱، چاپ انست بیروت [بی‌تا.]؛ محمدباقر بن محمدنقی مجلسی، بحار الأنوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ جلال‌الدین محدث، تعلیقات نقض، تهران ۱۳۵۸ ش؛ محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانة الادب، تهران ۱۳۶۹ ش؛ عبدالله‌بن فضل‌الله و صاف حضرة، تاریخ و صاف، چاپ سنگی بمبئی ۱۲۶۹.

/ باقر قربانی زرن /